PDF Compressor Free Version

این گزارش حاکی از پدیده‌ای رو به گسترش در کشور است

آکیتا و خانواده ایرانی



آذر فخری، روزنامه‌نگار

یک روز دل‌انگیز تعطیل بهاری، برای اغلب ما می‌تواند بهانه‌ای باشد برای گشت‌وگذار در داخل یا اطراف شهر و یا حتی یک پیاده‌روی ساده. بسیاری ترجیح می‌دهند، در حوالی خانه‌های خود چرخی بزنند، عازم یک پیاده‌روی در هوای لطیف بهاری می‌شوند. آنانی که در این میان جسورترند، نه تلفن همراهی برمی‌دارند و نه ساعت مچی. مدتی بدون این هر دو بودن، می‌تواند احساس در لحظه بودن و در اختیار کامل داشتن خود را به انسان بدهد.

در همین گشت‌وگذارها و پیاده‌روی‌هاست که می‌توان به سبک و شیوه سلوک برخی از خانواده‌های ایرانی پی برد. به‌خصوص در یکی دو دهه‌اخیر، شکل و شمایل خانواده ایرانی از نظر محتوا و کیفیت، دگرگونی‌های بسیاری یافته است. این دگرگونی، از همان قدم اولی که وارد کوچه و خیابان می‌شوی، رخ می‌نماید؛ آن‌ها برای پیاده روی آمده‌اند اما بیش از آن که با یکدیگر، با والدین یا فرزندان‌شان باشند، یا تنهایند، یا حیوانی به‌همراه دارند که در اصل او را برای گردش بیرون آورده‌اند. این را به وضوح می‌توان در حالت و رفتار خانواده‌ی سه نفره‌ای دید که در کنار هم و گوشی در دست قدم می‌زنند و فرزند پسر پا به سن گذاشته‌شان، قلاده سگی بزرگ‌جثه را به دست دارد. سگ درشت و تمیز و نظیفی که به‌همان اندازه افراد خانواده؛ مادر و پدر و پسر، آرام و رام به نظر می‌رسد و تمایلی به توجه به اطراف و گفت‌وگو ندارد. خانواده‌ای که با سگ‌شان، چهار نفر محسوب می‌شوند، بی‌توجه به همدیگر و اطرافیانی که در آمد و شدند، وارد مغازه‌ای که لوازم و خوراک حیوانات می‌فروشد، می‌شوند. فروشنده با دیدن خانواده و سگ‌شان، لبخند زنان سگ را صدا می‌کند و به‌سوی آن‌ها می‌رود.

آکیتای ژاپنی غریبی نمی‌کند و می‌گذارد فروشنده نوازشش کند. فروشنده‌ای که خیلی خوب از نیازهای چنین نژادی آگاه است و می‌رود که وسایل و خوراکی‌های او را بیاورد.

این شکل و شمایل خانواده امروز ایرانی است: مادر، پدر و یک و یا در نهایت دو فرزند. خانواده‌ای پا به سن گذاشته، که هنوز فرزند بزرگ اما مجردش با آن‌ها زندگی می‌کند.

انسان‌شناسان و نیز روان‌شناسانی چون فروید و یونگ معتقدند که فرزند آدمی، ۱۲ سال زودتر از موعد، به دنیا می‌آید؛ و دلیلی که برای این مدعا می‌آورند، ناتوانی و نیازمندی طولانی مدت کودک انسان به مراقبت اطرافیان است. نوزاد جانوران دیگر چند لحظه پس از تولد می‌توانند بر خیزند و روی پای خود بایستند و پس از مدت بسیار کوتاهی می‌توانند از پس خورد و خوراک و نگهداری خود برآیند.

در حالی که همین کارهای پیش پا افتاده در نوزاد آدمی، نیاز به یادگیری در طول زمان و رشد اندام‌های بدن دارد. در واقع فرزند آدمی تا مدتی طولانی، به خانواده وابسته است و به همین دلیل، بین افراد یک خانواده، پیوندهای عاطفی عمیقی نیز شکل می‌گیرد. اما همین وابستگی طولانی مدت، امروزه، به‌دلایل مختلفی، طولانی‌تر شده‌است؛ بسیاری از فرزندان، حتی پس از پایان تحصیلات و یافتن شغل و تامین مالی، ترجیح می‌دهند در کنار خانواده‌ی مرجع خود بمانند و یا در نهایت، به زندگی مجردی و یا تک‌زیستی با یک حیوان، روی می‌آورند.

روی آوردن به نگه‌داری یک حیوان، تنها مختص به پسران و دختران مجرد و تک‌زیست نمی‌شود، این تمایل در پدرو مادرها هم دیده می‌شود. آنان نیز برای پر کردن خلاءهای عاطفی خود که روزگاری با حضور فرزندان و نوه‌های‌شان، پاسخ داده می‌شد، به نگه‌داری از یک حیوان خانگی روی می‌آورند. خانواده سه نفره‌ای که همراه آکیتای ژاپنی برای پیاده‌روی بیرون آمده‌اند، در باره حیوان و نیازهایش و خریدهایی که باید برای او بکنند، تفاهم دارند. هر سه آنان از نیازهای سگ خود آگاه‌اند و در مورد تامین او، هر چند با هزینه بالا، چند و چون نمی‌کنند. اما همین سه نفر، در رابطه کلامی و ابراز نیازهای شخصی خویش به یکدیگر ناتوانند. بنا به گفته مادر خانواده، هر وقت که خواسته‌اند در مورد نیازها و خواسته‌های عاطفی و روانی خود با یکدیگر صحبت کنند، کار به مشاجره کشیده است؛ یا خود والدین یا فرزندبزرگ‌سال، یکدیگر را به مهرطلبی و زیاده‌خواهی متهم کرده‌اند.

در حالی که یک روان‌شناس می‌گوید، داشتن ارتباط و اعلام نیاز عاطفی به افراد خانواده، علاقه به صحبت با آنان، بیرون‌رفتن و گردش و خرید همراه آنان، مشورت و نظر دادن و نظر گرفتن در بستر خانواده، مهرطلبی نیست، بلکه شیوه‌ی طبیعی زندگی افراد هم‌نوع و هم‌خون است. اما این روزها، افراد خانواده از نیازهای روحی و عاطفی هم، خبر ندارند و در مواجهه با یکدیگر، احساس تهدید می‌کنند؛ فردیت و تک‌شدگی و جداافتادگی، آنان را به‌شدت حساس و آسیب‌پذیر کرده‌است. به همان نسبت که در گذشته، تمام افراد خانواده به‌خصوص والدین در تصمیم‌گیری‌ها و ابراز و اظهارنظرها، آزاد و راحت و حتی محق بودند، امروز، از این حق و امتیاز، خلع شده‌اند؛ نه فرزندان اجازه‌ی اظهار نظر و دخالت به والدین می‌دهند و نه والدین به دلیل اجتناب از بروز مشاجرات، تمایل به چنین رفتاری دارند. در واقع افراد خانواده، نسبت به کنش‌های یکدیگر، هیچ بازخوردی از هم نمی‌گیرند. آنان با سرگرم‌شدن با گوشی‌های هوشمند و حیوانات خانگی و حتی صحبت کردن با این موجودات ساکت و مطیع، در پی فرار از آشفتگی و رسیدن به نوعی آرامش موقت و سطحی هستند.

چرا نمی‌شود یک روز تعطیل را با خانواده، با پدر و مادر و بچه‌ها و یا حتی با دوستان بیرون زد؟ چرا افراد خانواده ترجیح می‌دهند تنها و با گوشی همراه‌شان، یا با دوستان خاص خود و نیز با حیوانات خانگی بیرون بروند، با آن‌ها حرف بزنند؟

■■■

حیات و استمرار خانواده برای هر جامعه‌ای مهم است. جدای از این که خانواده، پتانسیل‌های جنسیتی و به تبع آن اخلاق را سر و سامان می‌دهد و از این جهت، به جامعه و افرادش نوعی احساس امنیت می‌بخشد. خانواده، در هر دوره از تاریخ، و در هر دین و مذهبی، اخلاقی و مقدس بوده است. اما آن چه امروز، به‌خصوص در جوامع رو به توسعه و طبعا، در حال گذار دیده می‌شود و برای دولت‌ها نگران‌کننده شده است، خانواده گریزی افراد است. جوانان بنا به دلایل نه فقط اقتصادی و معیشتی؛ که دولت‌ها بر آن به‌عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده در ازدواج، تاکید می‌کنند، بلکه به دلایل پیچیده‌تری، از ازدواج گریزانند. آنان ترجیح می‌دهند، روابط کوتاه‌مدت و بی‌حاشیه و بیشتر سرگرم‌کننده داشته باشند و هر کدام شب به خانه والدین یا خانه تنهایی خودشان برگردند. هم‌خانگی در چهارچوب خانواده، برای نسلی که نمی‌تواند حرف بزند و در مکالمه، توان فهم و درک متقابل را نیاموخته است، ریسکی است که از پذیرفتن آن به شدت سرباز می‌زند.

من یک نفرم!

جوانان ما ادعای اعتماد و ایمان بیش از حد به فردیت دارند. اتکاء آنان بر این تفرد، به‌عنوان یک روند روشنفکرانه در جامعه رو به توسعه‌ی ما، بیشتر از هر چیزی یک معضل است با تمام تبعات یک معضل.

تغییرات اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی که در جوامع توسعه یافته اتفاق می‌افتد، پیش‌زمینه‌ها و ورطه‌ها و چالش‌های اصولی و بایسته‌ای دارند. آن چه برای آنان اتفاق می‌افتد و به یک جریان اجتماعی- فرهنگی تبدیل می‌شود، در زمینه‌های بینشی و فرهنگی خودشان معنامی‌یابد و به یک فرهنگ گسترده و فراگیر بدل می‌شود که خواست و نیاز ویژه‌ی همان جامعه است. اما آن چه از تغییرات عمیق در آن جوامع به ما می‌رسد، صرفا، یک خبر پر رنگ و لعاب است از میان هزاران خبری که در نهایت با رویکرد عده‌ای به آن، بدل به برند می‌شود، برای استفاده و «مُد» و «موجی» که تا چند صباحی افراد را درگیر خود می‌کند و از آن جا که این تغییرات تابع موج و جوزدگی برای ما، هیچ مبنای فکری زیسته و تجربه شده در بستر فرهنگ و سنت‌ها و اعتقادات‌مان ندارد، زود به حاشیه رانده شده و فراموش می‌شود تا موج و مد بعدی.

موجی که امروزه گریبان‌گیر جامعه ما و افراد آن شده و می‌رود که سویه‌های تاریک و غم‌انگیز آن برملا شود، تک زیستی در خانه‌های کوچک است. البته هنوز تعداد افرادی که به هر دلیلِ فردی ، سنتی یا فرهنگی و حتی اقتصادی، ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند، بسیارند.

مطلق‌نگری به امر ازدواج و خانواده

جدای از انتظارات مالی و مادی رویایی که طرفین از یکدیگر و ازدواج دارند، جوانان ما، معتقدند در ازدواج ، دو نفر حتما باید هم نظر و هم سلیقه باشند، باید جفت روحی! هم باشند تا بتوانند در کنار هم زندگی سعادت‌مندانه‌ای را شروع کنند و ادامه دهند. و این یعنی با اولین اختلاف بر سر انتخاب رنگ پرده و مبلمان و ماشین (اگر منابع مالی‌اش تامین باشد!)، با مشخص شدن ترجیح‌ها و اولویت‌ها در رابطه با خانواده مرجع و زمینه‌های فرهنگیِ عادت‌شده که تا دُز عشق و دلدادگی بالاست، به چشم نمی‌آید، اما با رسیدن به دوران ثبات، دیوار توهم‌ها فرو می‌ریزد و زمزمه‌های « ما به درد هم نمی‌خوریم» و «همه چی از اول اشتباه بود» آغاز می‌شود. در این میان، جریان‌سازی‌های کتاب‌ها و کلاس‌های روان‌شناسی مثبت‌اندیشی و TA، و شرکت در سمینارهای موفقیت و یافتن جفت روحی و انجام انواع واقسام تست‌های مشترک و یک‌دست برای همه‌ی افراد شرکت‌کننده و دسته‌بندی آن‌ها در گروه‌های مختلف آرکی تایپی و... بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های جوانان و خانواده‌های‌شان، به سنت‌ها و فرهنگ غالب بر جامعه، جوانان و خانواده را به‌شدت دچار تعارض و تضاد هم با خود و هم با دیگری می‌کنند. معارضات و تضادهایی که در نهایت باید برای رفع و رجوع‌شان به همان مشاورانی مراجعه کرد که در آغاز مشوق چنین تغییراتی بوده‌اند. البته روشن است که چنین مشاوره‌هایی معمولا به نتیجه مطلوب نمی‌انجامد؛ زیرا حتی خود مشاور نیز، نیاموخته است که بگذارد دو نفر، در کنار او با هم حرف بزنند و او فقط آنالیزکننده و کاتالیست ماجرا باشد، نه یک مداخله‌گر و یا مصلحی با تجویزهایی همیشه در آستین.

نادیده گرفتن پیش‌زمینه‌های فرهنگی-سنتی

خانواده گریزی جوانان، پیر شدن آنان در تنهایی و یا در کنار حیوانات خانگی که هیچ ادعایی در مورد جفت روحی و تطابق مطلق فکر و سلیقه ندارند و خاموشان و مطیعان یک خانه سوت‌وکور هستند؛ یعنی ما بلد نیستیم یا فراموش کرده‌ایم که زندگی و ارتباط در بستر گفت‌وگوی همراه با خوب شنیدن است. برای بسیاری از ما، خانواده خوش‌بخت، یعنی خانواده‌ای که از آن فقط صدای یک نفر شنیده می‌شود؛ یک نفری که چه زن باشد، چه مرد، تصمیم می‌گیرد، می‌خواهد و می‌شود. وضعیت و شکل و شمایل خانواده امروز ایرانی، با گرایش مفرط به تفرد و عدم تمایل به گفتن و شنیدن، بسیار پیچیده‌تر و وخیم‌تر از خانواده نسل گذشته است؛ والدین این جوانان نیز، خانواده‌هایی تک‌صدایی و پدر محور بودند. خانواده‌هایی که در آن پدر تامین‌کننده مالی و مادر اداره کننده امور درون خانه و فرزندان، تحت صلاح‌دید و سیاست‌گذاری‌های پدر بود؛ اما حداقل مزیتی که آن سیستم داشت، این بود که به هر دلیل، اعتراضی در کار نبود و طرفین احساس غبن و شکست نمی‌کردند، چون فرم و چهارچوب و نظام‌های دیگری برای‌شان متصور نبود.

این قطبی شدن‌های چند گانه در بستر جامعه، ورشد و عقب‌ماندگی‌های سرطانی، عدم هم‌خوانی و توازن بین تغییرات بدون زمینه و ناگهانی از سویی و الزام در پای‌بندی‌های اعتقادی و سنتی از سوی دیگر، خانواده و لاجرم جامعه را دچار مخاطراتی کرده‌است که برای اگر نه حل و فصل، که حداقل برای فهم و درک چرایی و تعدیل آن در بستر یک گفتمان جمعی، نیاز به همراهی افراد مختلف از طبقات گوناگون مردم و کارشناسان داریم.

آنچه رفته‌رفته بیشتر به چشم می‌آید، عمیق‌تر شدن خلاء و شکاف میان خواسته‌ها و توقعات مردم از خود و همدیگر است در حالی که هنوز، در بسیاری موارد نه خود مردم و نه جامعه، از نظر فرهنگی (سنتی و عرفی و شرعی)، آمادگی لازم برای پذیرش چنین دگرگونی‌های بدون زمینه و آنی را ندارد. در پت‌شاپ بزرگ، خانواده‌ی سه نفره، با بار سنگینی از خریدهایی که برای آکیتا کرده‌اند و هزینه‌ی گزافی که برای آن پرداخته‌اند، بیرون می‌آیند و در ادامه پیاده‌روی در یک روز، با حال و هوای لطیف و دوست‌داشتنی، به سوی خانه‌ای می‌روند که برای هر کدام از آن‌ها تبدیل شده‌است به مکانی برای همزیستی. و این همه در حال است که روند زادآوری در جامعه‌ی ما همچنان سیر نزولی را طی می‌کند، در حالی که جانوران بومی این سرزمین، در زیست‌گاه‌های طبیعی رو به خشکسالی و تخریب خود، رو به انقراض می‌روند، در حالی که محیط زیست‌مان؛ آب، هوا، خاک، جنگل‌ها و دریاها و رودهای‌مان، مثل خانواده‌های‌مان، به محیط‌های لم‌یزرعی بدل شده‌اند. وظاهراً کسی نه دغدغه‌ای در این مورد احساس می‌کند و نه راه چاره‌ای برای آن می‌اندیشد.

از گوشه و کنار

اتباع خارجی، تحت پوشش تامین اجتماعی هستند



بر اساس ماده ۵ قانون تامین اجتماعی، اتباع بیگانه‌ای که بر اساس قانون و مقررات مشغول به کار هستند و رابطه مزدبگیری با کارفرما دارند، مشمول قانون تامین اجتماعی می‌شوند.

مدیر کل اتباع سازمان تامین اجتماعی افزود: اداره اتباع تامین اجتماعی دو وظیفه اصلی به عهده دارد که همان تحت پوشش قرار دادن اتباع خارجی داخل ایران به‌صورت اجباری و اختیاری و تحت پوشش قرار دادن ایرانیان و هم‌وطنانی که در خارج از ایران حضور دارند.

اتباع خارجی که به‌صورت قانونی در کشور مشغول به کار هستند و پروانه اشتغال دارند، اگر در کشور خود بیمه باشند و آن کشور عضو مقاوله نامه شماره ۱۹ بین‌المللی کار باشد، فقط ۳ درصد حقوق فرد برای بیمه حوادث حین کار دریافت می‌شود و اگر در کشور خود بیمه نباشند، ۲۷ درصد حق بیمه توسط سازمان تأمین اجتماعی دریافت می‌شود و این افراد از تمامی خدمات تامین اجتماعی بجز بیمه بیکاری برخوردار هستند.

مدیر کل اتباع سازمان تامین اجتماعی با بیان این که در حال حاضر ۹۷۰ هزار نفر از اتباع خارجی (اعم از مرد و زن) در کشور در شرایط سنی کار (۶۰-۱۵ سال) قرار دارند، گفت: در حال حاضر از این تعداد ۳۶ هزار نفر تحت پوشش بیمه‌ای این سازمان هستند.

■■■

تغییرات جدید در آیین‌نامه کودکان خیابانی



معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، از اعمال تغییرات جدید در آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان خبر داد و گفت: این آیین‌نامه باید به تصویب نهایی برسد. آیین‌نامه اولیه ساماندهی کودکان کار و خیابان در سال‌های گذشته به تصویب رسیده بود و دستگاه‌های مختلفی نیز عضو ستاد ساماندهی کودکان بودند که البته تغییراتی در آیین‌نامه صورت گرفته است که نیاز به تصویب نهایی در وزارت رفاه دارد.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی تاکید کرد: هم‌چنین با توجه به اینکه ۶۰ تا ۷۰ درصد کودکان کار و خیابان را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند به همین دلیل در آیین‌نامه جدید وظایف و مسئولیت‌های اداره اتباع وزارت کشور بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. کودکان کار و خیابان پس از جمع‌آوری به سازمان بهزیستی سپرده می‌شوند و پس از انجام آزمایش‌های اولیه به مراکز مربوطه اعزام می‌شوند. برخی از این کودکان پس از انجام دوره‌های آموزشی و توانمندسازی به خانواده‌های خود باز می گردند که البته طی مدتی که در مرکز هستند کارشناسان ما با خانواده‌های‌شان ارتباط برقرار می‌کنند و در صورت دارا بودن شرایط کافی زمینه بازگشت کودکان به خانواده‌ها فراهم می‌شود.

■■■

۸۰۰ شهرداری در حال ورشکستگی هستند

نماینده مردم بجنورد در موافقت با با یک فوریت اصلاح بند ۱۱۰ تغییرات متفرقه قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور را گفت: ۸۰۰ شهرداری در حال ورشکستگی هستند. علی قربانی، نماینده مردم بجنورد در مجلس شورای اسلامی با بیان این که ۷۳۱ شهر با جمعیت کمتر از ۱۰ هزار نفر در کشور وجود دارند، بیان کرد: شهرداری‌ها ۶ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند ولی ۳ درصد بودجه کشور را کسب می‌کنند. وی افزود: ۴۰ درصد بودجه شهرهای کوچک و دهیاری‌ها از محل اعتبارات سوخت تأمین می‌شود و تقاضا کردیم که فوریت طرح تصویب شود تا منابع پایداری برای شهرداری‌های کوچک و دهیاری‌ها تعیین شود زیرا اکنون ۸۰۰ شهرداری در حال ورشکستگی هستند.

جشنواره دختران ایران زمین برگزار می‌شود

معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده اعلام کرد: به مناسبت روز ملی دختر، جشنواره دختران ایران زمین در تهران برگزار می‌شود.

به گزارش ایرنا از اعلام روز سه شنبه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری؛ از جمله برنامه‌های این معاونت برای روز دختر، جشنواره دختران ایران زمین است که از ۲۴ تا ۲۶ تیرماه به مدت سه روز در باغ کتاب تهران برگزار خواهد شد. معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده به مناسبت روز ملی دختر در همکاری با سازمان‌ها و وزارتخانه برنامه‌هایی را به این منظور تدارک دیده که محور آنها هویت بخشی و نشاط ملی برای دختران ایران زمین است.

هادی بهرامی مجری این جشنواره گفت: وزارت ارشاد، دانشگاه الزهرا، سازمان فنی و حرفه‌ای، بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، شهرداری و دانشگاه تهران با معاونت امور زنان در برگزاری همایش همکاری خواهند کرد.

بهرامی تصریح کرد: بخش‌های کارگاهی برای کودکان و نوجوانان، آسیب شناسی مسایل دختران در قالب نشست‌های تخصصی از برنامه‌های این جشنواره است و در مراسم اختتامیه از دختران موفق و فعال در عرصه‌های هنری، ورزشی و کارآفرین تقدیر می‌شود.

وی افزود: این جشنواره شامل دو بخش جشنواره‌ای و غرفه‌ای است که همه سازمان‌های متولی در آن حضور خواهند داشت، در این بخش‌ها مشکلات و آسیب‌های اجتماعی دختران مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

محمدرضا بورنگ، دبیر اجرایی جشنواره، نمایشگاه و فروشگاه لباس ایرانی در کرج مرکز استان البرز نیز گفت: این نمایشگاه از ۲۱ تا ۳۰ تیرماه به مدت ۱۰ روز در ایام ولادت حضرت معصومه(س) و روز ملی دختر اجرا می‌شود و حدود یک هزار و ۵۰۰ دختر برگزیده استان البرز در این مراسم حضور خواهند داشت.

زندگی طاقت‌فرسای بیماران کلیوی زلزله‌زده

رئیس انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ضمن درخواست کمک از خیران و مردم نوعدوست کشورمان گفت: زندگی برای ۱۵۰ بیمار دیالیزی و نیازمند پیوند کلیه مناطق زلزله زده کرمانشاه در زیر چادر و کانکس طاقت فرساست.

داریوش آرمان روز سه شنبه در گفت و گو با ایرنا با ابراز تاسف از وضعیت نامطلوب این بیماران اظهار داشت: باوجود اینکه بیش از هشت ماه از زلزله کرمانشاه می گذرد، بیماران موردنظر که حدود ۱۰۰ نفر از آنان دیالیزی و ۵۰ نفر دیگر پیوندی هستند، در دمایی که گاهی به ۵۰ درجه می رسد، خانه ندارند و در چادر و کانکس بسر می برند.

وی افزود: نبود مسکن مناسب برای بیماران دیالیزی و پیوندی فقط مشکل آنان نیست بلکه کمبود دستگاه های دیالیز و سایز تجهیزات پزشکی به شدت ملموس است و تنها بیمارستان منطقه زلزله زده کرمانشاه در سرپل ذهاب، یک بیمارستان صحرایی است که با کمبود شدید دستگاه دیالیز و سایر تجهیزات پزشکی مواجه است.

به گفته آرمان، بیمارستان صحرایی سرپل ذهاب، ۳۰ دستگاه تخت دیالیز، دستکم ۱۰ دستگاه یخچال و آب سردکن، ۳۰ فشارسنج دیواری و ۱۰ دستگاه الکتروشوک نیاز دارد.

رئیس انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی تاکید کرد: بیماران کلیوی منطقه زلزله زده کرمانشاه به طور کلی با سه مشکل عمده مواجه هستند و این انجمن از هموطنان نوعدوست و خیرین درخواست کمک دارد تا سریعا مشکل بیماران حل شود.

وی به سلبریتی ها نیز اشاره کرد و از آنان خواست تا بخشی از مبالغی را که مردم به حساب آنان برای کمک به زلزله زدگان واریز کرده اند، برای تامین مسکن و سرپناه برای مردم این مناطق اختصاص دهند.